Cabir el Cufi
0500 56
154-158

مسند، قاهره، ۱۳۱۳ق؛ احمد بن محمد بن عیسی، *النوادر*، قم، ۱۴۰۸ق؛ *الاختصاص*، منسوب به شیخ مفید، به کوشش علی‌اکبر غفاری، قم، ۱۴۱۳ق؛ بخاری، محمد، *التاریخ الکبیر*، حیدرآباد دکن، ۱۳۹۸ق/۱۹۷۸م؛ همو، *صحیح*، به کوشش مصطفی دیب البغا، بیروت، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م؛ برقی، احمد، «الرجال»، همراه *رجال* ابن داوود حلی، به کوشش جلال الدین محدث ارموی، تهران، ۱۳۴۲ش؛ بلاذری، احمد، *انساب الاشراف*، ج ۳، به کوشش عبدالعزیز دوری، بیروت، ۱۳۹۸ق/۱۹۷۸م، ج ۴(۲)، به کوشش شلوسینگر، بیت‌المقدس، ۱۹۷۱م؛ ترمذی، محمد، *سنن*، به کوشش احمد محمد شاکر و دیگران، قاهره، ۱۳۵۷ق/۱۹۳۸م ببعد؛ *التمحیص*، منسوب به ابن همام اسکافی، قم، مدرسة الامام المهدی (ع)؛ حاکم نیشابوری، محمد، *المستدرک علی الصحیحین*، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۴ق؛ حمیدی، عبدالله، *المسند*، به کوشش حبیب الرحمان اعظمی، بیروت/قاهره، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۸م؛ حمیری، عبدالله، *قرب الاسناد*، به کوشش مؤسسة آل البیت (ع)، قم، ۱۴۱۳ق؛ خزاز، علی، *کفایة الاثر*، قم، ۱۴۰۱ق؛ خلیفة بن خیاط، *الطبقات*، به کوشش اکرم ضیاء عمری، ریاض، ۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م؛ دینوری، احمد، *الاخبار الطوال*، به کوشش عبدالمنعم عامر، قاهره، ۱۹۶۰م؛ ذهبی، محمد، *سیر اعلام النبلاء*، به کوشش شعیب ارنؤوط و دیگران، بیروت، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م؛ سید مرتضی، علی، *الانتصار*، قم، ۱۴۱۵ق؛ همو، *المسائل الناصریات*، تهران، ۱۴۱۷ق؛ سیوطی، *الدر المنثور*، قاهره، ۱۳۱۴ق؛ شافعی، محمد، *الام*، بیروت، دارالمعرفه؛ صفار، محمد، *بصائر الدرجات*، تهران، ۱۴۰۴ق؛ طبرانی، سلیمان، *المعجم الکبیر*، به کوشش حمدی بن عبدالمجید سلفی، بغداد، ۱۳۹۸ق/۱۹۷۸م؛ طبری، *تاریخ*؛ همو، *تفسیر*، بیروت، ۱۴۰۵ق؛ طحاوی، احمد، *اختلاف العلماء*، متن مختصر، به کوشش عبدالله نذیر احمد، بیروت، ۱۴۱۷ق؛ طوسی، محمد، *الخلاف*، به کوشش محمد مهدی نجف و دیگران، قم، ۱۴۱۷ق؛ همو، *رجال*، به کوشش محمد صادق آل بحرالعلوم، نجف، ۱۳۸۱ق/۱۹۶۱م؛ همو، *مصباح المتهجد*، تهران، ۱۳۳۹ق؛ طیالسی، سلیمان، *مسند*، بیروت، دار المعرفه؛ عاصم بن حمید، «اصل»، ضمن *الاصول الستة عشر*، قم، ۱۴۰۵ق؛ عبد بن حمید، *المسند*، به کوشش صبحی بدری سامرایی و محمود محمد صعیدی، قاهره، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م؛ علی بن اسباط، «النوادر»، ضمن *الاصول الستة عشر*، قم، ۱۴۰۵ق؛ *فقه الرضا(ع)*، مشهد، ۱۴۰۶ق؛ قاضی نعمان، *دعائم الاسلام*، به کوشش آصف فیضی، قاهره، ۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م؛ *کتاب سلیم بن قیس*، به کوشش محمد باقر انصاری، قم، ۱۴۱۵ق؛ کشی، محمد، *معرفة الرجال*، اختیار طوسی، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ش؛ کلینی، محمد، *الکافی*، به کوشش علی‌اکبر غفاری، تهران، ۱۳۹۱ق؛ کوفی، محمد، *مناقب امیر المؤمنین (ع)*، به کوشش محمد باقر محمودی، قم، ۱۴۱۲ق؛ مالک بن انس، *الموطأ*، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، ۱۳۷۰ق/۱۹۵۱م؛ مروزی، محمد، *اختلاف العلماء*، به کوشش صبحی سامرایی، بیروت، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م؛ مزی، یوسف، *تحفة الاشراف*، بمبئی، ۱۳۹۵ق/۱۹۷۵م؛ همو، *تهذیب الکمال*، به کوشش بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسة الرساله؛ مسعودی، علی، *مروج الذهب*، به کوشش یوسف اسعد داغر، بیروت، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۶م؛ مسلم بن حجاج، *صحیح*، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، ۱۹۵۵م؛ مفید، محمد، *الارشاد*، قم، ۱۴۱۳ق؛ همو، *الامالی*، به کوشش حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۰۳ق؛ همو، *الجمل*، به کوشش علی میر شریفی، قم، ۱۴۱۳ق؛ همو، *مسار الشیعة*، به کوشش مهدی نجف، بیروت، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م؛ همو، *المسائل الصاغانیة*، قم، ۱۴۱۳ق؛ مقدسی، مطهر، *البدء و التاریخ*، به کوشش کلمان هوار، پاریس، ۱۹۱۶م؛ نصر بن مزاحم، *وقعة صفین*، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قاهره، ۱۳۸۲ق؛ نعمانی، محمد، *الغیبة*، بیروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م؛ نووی، یحیی، *تهذیب الاسماء و اللغات*، قاهره، ۱۹۲۷م؛ واحدی، علی، *اسباب نزول الآیات*، قاهره، ۱۳۸۸ق/۱۹۶۸م؛ واقدی، محمد، *المغازی*، به کوشش مارسدن جونز، لندن، ۱۹۶۶م؛ هروی، علی، *الاشارات الی معرفة الزیارات*، به کوشش ژ. سوردل تومین، دمشق، ۱۹۵۳م؛ یحیی بن معین، *التاریخ*، روایت دوری، به کوشش احمد محمود نور سیف، مکه، ۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م؛ یعقوبی، احمد، *التاریخ*، بیروت، ۱۳۹۷ق/۱۹۶۰م.

احمد پاکتچی

جابرِ جُعْفی، ابومحمد جابر بن یزید (د ۱۲۸ق/۷۴۶م)، محدثِ مفسر، فقیه و متکلم کوفی، و از اصحاب برجستهٔ امام باقر و امام صادق(ع). او کوفی و از خاندان جعفی، یکی از تیره‌های قبیلهٔ مذحج بود که از یمن به کوفه کوچ کردند (کشی، ۱۹۲؛ سمعانی، ۲/ ۶۷-۶۸؛ ابن منظور، ذیل جعف؛ برای اختلاف در تاریخ وفات وی، نک: بخاری، ۲۱۰/۲؛ طوسی، *رجال*، ۱۲۹؛ ابن حجر، *تقریب...*، ۱۵۴/۱، *تهذیب...*، ۴۴/۲).

اشارهٔ نجاشی به جابر با عنوان عربی قدیم (ص ۱۲۸)، احتمالاً بر عدم پیوستگی جابر به خاندان جعفی از نوع ولاء و یا به علت ازدواج بوده است (نک: موحد، ۴۳/۵). نقلی نادرست از ابن قتیبه نیز در خلط نام او با جابر بن زید، سبب ازدی خواندن او شده است (طوسی، همانجا؛ قس: ابن قتیبه، *المعارف*، ۴۵۳، ۴۸۰؛ نیز تستری، ۵۴۳/۲).

اگرچه در روایتی به جوان بودن جابر در نخستین دیدار با امام باقر(ع) در زمان امامت ایشان (۹۴-۱۱۴ق/۷۱۳-۷۳۲م) اشاره شده است (نک: کلینی، ۴۷۲/۱؛ کشی، همانجا)، اما روایت وی از صحابه‌ای چون جابر بن عبدالله انصاری (ه م) و اکابر تابعین، این تاریخ را قدری به عقب می‌راند. بر همین اساس موحد ابطحی ولادت او را در حدود سال ۵۰ ق آورده است (۴۵/۵-۴۷).

در منابع به این مطلب اشاره شده که هشام بن عبدالملک اموی فرمان به قتل جابر جعفی داده، و او با تظاهر به دیوانگی جان خود را نجات داده است (کلینی، ۳۹۶/۱-۳۹۷؛ کشی، ۱۹۴-۱۹۵). او فرزند محدثی به نام اسماعیل داشته که از امام باقر(ع) (ابن بابویه، *من لا یحضر...*، ۵۱۶/۳-۵۱۷)، امام صادق(ع) (عیاشی، ۱۴۷/۲- ۱۴۸)، و امام کاظم (ع) (حمیری، ۳۰۹) روایت کرده است.

جابر به عنوان یک تابعی (طوسی، همانجا) از برخی اصحاب پیامبر(ص) و عمدتاً از ابوطفیل عامر بن واثلهٔ لیثی (طبرانی، ۱۸۷/۴؛ ابن بابویه، *التوحید*، ۲۱؛ ابن عساکر، ۲۴۲/۴۲) و جابر بن عبدالله انصاری (ابن بابویه، *الامالی*، ۱۲۴-۱۲۵، *کمال الدین...*، ۲۵۳-۲۵۴، ۳۹۴ ؛ خزاز، ۶۶-۶۷) روایت کرده است؛ اما بیشتر دانش خود را در مدینه از امام باقر (ع) دریافت کرده، و چنان‌که خود گفته، ۱۸ سال نزد آن امام شاگردی کرده است (طوسی، همان، ۲۹۶). وی از آن حضرت حدود ۷۰ هزار حدیث شنیده که حدود ۵۰ هزار از آن را برای کسی بازگو نکرده است (مسلم، ۱۵/۱-۱۶؛ نک: مدرسی[1]، I/87).

او محضر امام صادق(ع) را احتمالاً در عراق درک کرده، و روایاتی نیز از ایشان داشته است (شهرستانی، ۱۶۶/۱؛ برای

1. Modarressi

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKUMAN
10 Eylül 2017

İSAM DM.
258040

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۰، هفدهم، تهران، ۱۳۹۵

Cabir b. Yezid el-Cu'fi

B-TOPALOĞLU

Watt, İslam düş. tep. devri, 62

Câbir b. Yezîd

Halîmî, el-Minhaç, II-412

297.45
HAL.M

26 TEM 2011

215 AHMADVAND, Abbas, ALE YASIN, Sayyed Hesamuddin & TAVOOSI MASROOR, Saeed. The scholarly contributions of Jabir ibn Yazid al-Ju'fi. *Journal of Shi'a Islamic Studies*, 3 iii (2010) pp.261-281. (A great authority on the religious sciences of his time.)

Cabir b. Yezid

Tradition and Survival

A BIBLIOGRAPHICAL SURVEY OF
EARLY SHĪ'ITE LITERATURE

VOLUME ONE

HOSSEIN MODARRESSI

Bogazici University Library
39001101967936
14

ONEWORLD
OXFORD

TRADITION AND SURVIVAL: A BIBLIOGRAPHICAL SURVEY
OF EARLY SHĪ'ITE LITERATURE

Oneworld Publications
(Sales and Editorial)
185 Banbury Road
Oxford OX2 7AR
England
www.oneworld-publications.com

© Hossein Modarressi 2003

All rights reserved.
Copyright under Berne Convention
A CIP record for this title is available from the British Library

ISBN 1–85168–331–3

Cover design by Saxon Graphics, Derby, UK
Typeset by LaserScript Ltd, Mitcham, UK
Printed and bound in China by Sun Fung Offset Binding Co. Ltd

near
PJ
7519
.S45
M625
2003
V.1

27 MAYIS 2009

Boğaziçi Üniversitesi Kütüphanesi * Boğaziçi University Library *
15 -01- 2004

Contents

Preface xiii

I 'Alī and His Personal Associates 1

1. 'Alī b. Abī Ṭālib 2
2. Fāṭima al-Zahrā' 17
3. Abū Rāfi' 22
4. 'Ubayd Allāh b. Abī Rāfi' 25
5. Rabī'a b. Sumay' 33
6. 'Alī Zayn al-'Ābidīn 33
7. Muḥammad al-Bāqir 37

II Kūfan Shī'ism in the Umayyad Period 39

1. Maytham al-Tammār 42
2. Ḥārith al-A'war 45
3. Aṣbagh b. Nubāta 59
4. Kumayl b. Ziyād 74
5. Zayd b. Wahb 80
6. Sulaym b. Qays al-Hilālī 82
7. Jābir al-Ju'fī 86
8. Ibn Abī Ya'fūr 103
9. Sālim b. Abī Ḥafṣa 105
10. Abān b. Taghlib 107

BOĞAZİÇİ ÜNİVERSİTESİ KÜTÜPHANESİ
457823

BOĞAZİÇİ ÜNİVERSİTESİ * KÜTÜPHANE *

تفسير سفيان الثوري

Türkiye Diyanet Vakfı
Kütüphanesi
İslâm Araştırmaları

للامام ابي عبد الله سفيان بن سعيد بن مسروق
الثوري الكوفي
المتوفى سنة ١٦١هـ - ٧٧٧م

رواية أبي جعفر محمد عن أبي حذيفة النهدي عنه

صححه ورتبه وعلق عليه

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Araştırmaları
No: 4123

راجع النسخة وضبط اعلامها
لجنة من العلماء باشراف الناشر

دار الكتب العلمية
بيروت - لبنان

297.212
SUF.T
CABIR al-CU'FI

(١٩٨) أبو عبد الله (أو أبو محمد) جابر بن يزيد بن الحارث الجعفي الكوفي . من رواة الترمذي وأبي داود وإبن ماجة . روى عن الشعبي ومجاهد وطائفة ، وعنه السفيانان وخلق . وثقه الثوري وشعبة ووكيع وغيرهم . قال الثوري : « كان جابر ورعا في الحديث . ما رأيت أورع في الحديث من جابر » . وقال وكيع : « لولا جابر الجعفي ، لكان أهل الكوفة بغير حديث » . وقال إبن

DOKÜMANTASYON MERKEZİ

Das „Buch der Schatten"

Die Mufaḍḍal-Tradition der Ġulāt und die Ursprünge des Nuṣairiertums

Von Heinz Halm (Tübingen)

II. Die Stoffe

Der erste Teil unserer Untersuchung ging den Wegen jener extrem-schiitischen Überlieferung nach, die sich auf die geheimen Offenbarungen beruft, die der Kufier al-Mufaḍḍal b. ʿUmar al-Ǧuʿfī vom Imam Ǧaʿfar aṣ-Ṣādiq erhalten haben soll. Wir sahen, daß diese von der imamitischen Orthodoxie als „Übertreibung" (*ġulūw*) verworfene Lehrtradition von al-Mufaḍḍals Schüler Muḥammad b. Sinān (gest. 220/835) ihren Ausgang nahm, sich von Kufa aus über den ganzen Irak und seit dem Beginn des 4./10. Jahrhunderts auch nach Syrien ausbreitete und sich schließlich in den rivalisierenden Sekten der Isḥāqiten und der Nuṣairier verfestigte, deren letztere bis heute in Syrien fortbesteht. Überlieferungen dieser „ketzerischen" Tradition hat uns die imamitische *riǧāl*-Literatur vor allem in den Abschnitten über die einzelnen *ġulāt* bewahrt; gelegentlich finden sich weniger verfängliche *ġulāt*-Traditionen dieser Art, sofern sie theologisch unbedenklich waren, sogar in den Traditionssammlungen der Imamiten selbst, wie etwa im *Kāfī* des Kulīnī. Zudem sind die nuṣairischen Sammlungen wie die von R. Strothmann teilweise edierten Hss. Hamburg 303 und 304[1]) wahre Fundgruben für Überlieferungsgut des ältesten kufischen *ġulūw*.

Wenn die mündliche Tradition das wichtigste Vehikel der Ausbreitung der angeblichen Mufaḍḍal-Lehren war — wir sind den Lehrer-Schüler-Filiationen in Teil I nachgegangen — so gab es daneben doch auch schon früh literarische Fixierungen der dem Mufaḍ-

[1]) R. Strothmann, *Esoterische Sonderthemen bei den Nuṣairī*, in: Abh. d. Dt. Akad. d. Wiss. zu Berlin, Kl. f. Sprachen, Literatur und Kunst, Jahrgang 1956, Nr. 4 (Berlin 1958); ders., *Seelenwanderung bei den Nuṣairī*, in: *Oriens* 12/1959/89—114.

0021-1818/81/5801-0002 $ 2.00
Copyright by Walter de Gruyter & Co.

ʿAbdallāh und des Ǧābir b. Yazīd — Gott sei ihnen beiden gnädig, denn sie waren daran unschuldig!"

Bei Saʿd b. ʿAbdallāh al-Qummī (schrieb vor 292/905) heißt der Mann nicht b. al-Ḥāriṯ, sondern ʿAbdallāh b. ʿAmr b. al-Ḥarb al-Kindī[5]); bei dem Muʿtaziliten an-Nāšiʾ al-Akbar (gest. 293/906) erscheint der Name in der Form ʿAbdallāh b. Ḥarb[6]). Alle drei Quellen bringen sein Auftreten mit der Revolte des hāšimitischen Prätendenten ʿAbdallāh b. Muʿāwiya in Verbindung.

2. *Die Revolte des ʿAbdallāh b. Muʿāwiya*

Im Muḥarram des Jahres 127 (Okt./Nov. 744), auf dem Höhepunkt der Krise des umayyadischen Reiches nach dem Tode des Kalifen Yazīd III, erhob sich in Kufa der Hāšimit ʿAbdallāh b. Muʿāwiya b. ʿAbdallāh b. Ǧaʿfar b. Abī Ṭālib, unterstützt von einem Teil der kufischen Schiiten[7]). ʿAbdallāh, der angeblich aus rein privaten Gründen mit seinen Brüdern al-Ḥasan und Yazīd in Kufa weilte[8]), soll von den Kufiern zum Aufstand gedrängt worden sein mit dem Argument, die Banū Hāšim seien des Kalifats würdiger (*aulā bil-amr*) als die Banū Marwān, d.h. die Umayyaden[9]); sie holten ihn aus seinem Quartier, huldigten ihm und geleiteten ihn in die Zitadelle. Der Statthalter des Irak, ʿAbdallāh b. ʿUmar (der Sohn des Kalifen ʿUmar II), residierte in al-Ḥīra südlich von Kufa; sein Bruder ʿĀṣim mußte aus der Stadt weichen.

Die Erhebung des Hāšimiten war nach Auskunft der Quellen ein Werk der Šīʿa und des „Pöbels" (*ǧaugāʾ an-nās*); ein Klient (*maulā*) der Banū ʿIǧl namens Hilāl b. Abī l-Ward wird als Rädelsführer genannt[10]). Nur wenige Vertreter der arabischen Stämme schlossen sich dem Aufstand an, und auch diese korrespondierten heimlich mit dem

[5]) *Maqālāt* 26, Z. 12; 41 Z. 1 (dagegen 28, Z. 7: Ibn Ḥarb). Da der Name *al-Ḥāriṯ* stets den Artikel hat, *Ḥarb* dagegen nie, ist die bei Qummī vorkommende Form *al-Ḥarb* mit Sicherheit auszuschließen; sie erklärt sich leicht als aus der defektiven Schreibung von *al-Ḥāriṯ* verlesen. Zur Namensform vgl. Friedlaender, in: JAOS 29, S. 124.

[6]) J. van Ess, *Frühe muʿtazilitische Häresiographie. Zwei Werke des Nāšiʾ al-Akbar*, Wiesbaden 1971, arab. Text S. 37—40, Nr. 55b — 59.

[7]) Ṭabarī II, 1879ff.; Abū l-Faraǧ al-Iṣfahānī, *Aġānī* XI, 66ff.; ders., *Maqātil aṭ-Ṭālibīyīn*, ed. Kāẓim al-Muẓaffar, an-Naǧaf 1358/1965, 111—116; Wellhausen, *Das arabische Reich*, 239—241; Art. *ʿAbd Allāh b. Muʿāwiya*, in: EI² (Zetterstéen).

[8]) Ṭabarī II, 1879, Z. 18f.; 1881, Z. 4ff.

[9]) Ebd. 1880, Z. 2f. [10]) Ebd. 1883.

Cabir el-Cufi

إشراف. جعفر السبحاني, معجم طبكات المتكلمين, الجزء الأول , قم ١٤٢٤,
ص, 290-291 . İSAM KTP DN:144555

PDF PAYLAŞIMLARIMIZDAN
YRA GELEN DOKÜMAN
02 ARA 2006

١٨

الجُعفي*

(...ـ١٢٨هـ)

جابر بن يزيد بن الحارث الجعفي، الكوفي، التابعي، أحد كبار علماء الشيعة.

قال السيد حسن الصدر في حقّه: المتبحّر في أُصول الدين والفقه والتفسير والآثار على مذهب أهل البيت.

* طبقات ابن سعد٦/ ٣٤٥، طبقات خليفة٢٧٦برقم ١٢٢١، تاريخ خليفة٣٠٢(سنة ١٢٧هـ)، التاريخ الكبير٢/ ٢١٠برقم ٢٢٢٣، رجال البرقي٩، ١٦، الجرح التعديل٢/ ٤٩٧برقم ٢٠٤٣، رجال الكشي١٦٩برقم ٧٨(مؤسسة الأعلمي ـ كربلاء)، الكامل لابن عدي ٢/ ١١٣برقم ١/ ٣٢٦، رجال النجاشي١/ ٣١٣برقم ٣٣٠، رجال الطوسي١١١برقم ٦ و ١٦٣برقم ٣٠، فهرست الطوسي٧٠برقم ١٥٨، معالم العلماء٣٢، المنتظم لابن الجوزي٧/ ٢٦٧برقم ٦٩١، رجال ابن داود٨٠برقم ٢٨٦، رجال العلاّمة الحلي٣٥برقم ٢، تهذيب الكمال٤/ ٤٦٥برقم ٨٧٩، ميزان الاعتدال١/ ٣٧٩، تاريخ الإسلام(سنة ١٢١ـ ١٤٠هـ)٥٩، تهذيب التهذيب٢/ ٤٦، التحرير الطاووسي٦٨برقم ٧٨، مجمع الرجال٢/ ٧، نقد الرجال٦٥، جامع الرواة١/ ١٤٤، بهجة الآمال٢/ ٤٨٧، إيضاح المكنون١/ ٣٠٤، ٢/ ٣٠٩ و ٣١٩و ٣٤٨، تنقيح المقال١/ ٢٠١برقم ١٦٢١، تأسيس الشيعة٣٥٨، أعيان الشيعة٤/ ٥١، الذريعة٤/ ٢٦٨برقم ١٢٤٥، الأعلام٢/ ١٠٥، الإمام الصادق والمذاهب الأربعة٢/ ٤٤٧، معجم المؤلفين٣/ ١٠٦، معجم رجال الحديث٤/ ١٧برقم ٢٠٢٥، قاموس الرجال٢/ ٣٣٣، موسوعة طبقات الفقهاء ١/ ٣٠٧برقم ١١٠.

إشراف. جعفر السبحاني, معجم طبكات المتكلمين, الجزء الأول , قم ١٤٢٤,
ص, . İSAM KTP DN:144555

اختصّ بالإمام أبي جعفر محمد الباقر عليه السلام [1]، وأخذ عنه علماً جمّاً، كما أخذ عن الإمام أبي عبد الله جعفر الصادق عليه السلام.

وروى عن: الشهيد زيد بن علي، وجابر بن عبد الله الأنصاري، وأبي الطفيل عامر بن واثلة الكناني، وعمّار الدّهني، وسُوَيد بن غَفَلة، وآخرين.

وكان واسع الرواية، غزير العلم.

ألّف كتباً، منها: التفسير، والفضائل، ومقتل أمير المؤمنين عليه السلام، ومقتل الحسين عليه السلام، وصِفّين، والنوادر، وغيرها.

توفّي بالكوفة سنة ثمان وعشرين ومائة.[2]

روى المترجم عن الباقر عليه السلام أنّه قال: يا جابر إنّ الله تبارك وتعالى لا نظير له ولا شبيه، تعالى عن صفة الواصفين، وجلّ عن أوهام المتوهِّمين، واحتجب عن أعين الناظرين، لا يزول مع الزائلين، ولا يأفِلُ مع الآفلين، ليس كمثله شيء و هو السميع العليم.[3]

وللإمام الباقر عليه السلام وصية لجابر، نقتطف منها ما يلي:

واعلم بأنّك لا تكون لنا وليّاً حتّى لو اجتمع عليك أهل مصرك، وقالوا: إنّك رجل سوء لم يحزنك ذلك، ولو قالوا: إنّك رجل صالح لم يسرّك ذلك، ولكن اعرض نفسك على كتاب الله، فإن كنت سالكاً سبيله، زاهداً في تزهيده، راغباً في ترغيبه، خائفاً من تخويفه، فاثبت وأبشر، فإنّه لا يضرّك ما قيل فيك، وإن كنت مباياناً للقرآن، فماذا الذي يغرّك من نفسك؟

١. وكان إذا حدّث عن الباقر عليه السلام يقول: حدّثني وصيّ الأوصياء. ميزان الاعتدال.

٢. وقيل: سنة (١٢٧هـ).

٣. الصدوق، التوحيد١٧٩، باب نفي الزمان والمكان والحركة عنه تعالى، الحديث١٣.

حكمت بشير ياسين, استدراكات تاريخ التراث العربي, قسم التفسير و علوم القرآن, الجزء الثاني, جدة 1422. ص. 64
İSAM 090255

٣٦- تفسير القرآن*

CABIR el-CU'FI

لجابر بن يزيد بن الحارث، الجعفي، أبي عبد الله (ت ١٢٨هـ)

ذكره البغدادي[٥] والزركلي[٦].

[٥] هدية العارفين ٢٤٩/١.

[٦] الأعلام ٩٣/٢. وانظر معجم المفسرين ١٢٣/١-١٢٤.

Cabir el-Cufi

زید نسبت می‌دهند که آنها نیز موجود هستند: ۱ـ تفسیر قرائت زید ۲ـ تفسیر مدخل الی القرآن لمواضع مختارة منه ۳ـ تفسیر غریب القرآن المجید.

منابع: *اعیان الشیعة*، ۱۰۷/۷؛ *الاعلام*، ۵۹/۳؛ *تاریخ الادب العربی*، کارل بروکلمان، ۳۲۲/۳؛ *تاریخ دمشق*، ابن عساکر، ۱۴۹/۹؛ *تفسیر فرات*، کوفی، ۱۲۲؛ *تهذیب الاحکام*، ۲۳۵/۸؛ *تهذیب التهذیب*، ۳۶۲/۳؛ *خلاصة التذهیب*، ۱۲۹؛ *رجال* شیخ طوسی، ۸۹ به بعد؛ *سیر اعلام النبلاء*، ۳۸۹/۵؛ *شذرات الذهب*، ۱۵۸/۱؛ *تاریخ الاسلام*، ۷۴/۵؛ *الطبقات الکبری*، ابن سعد، ۳۲۵/۵؛ *فوات الوفیات*، ۳۵/۲؛ *معجم رجال الحدیث*، ۳۴۵/۷؛ *معجم المؤلفین*، ۱۹۰/۴؛ *مقاتل الطالبیین*، ۱۲۷؛ *مؤلفات الزیدیه*، ۳۰۷/۱ به بعد؛ *من لا یحضره الفقیه*، ۱۲۶/۱ـ۱۲۸ به بعد.

تفسیر عاصم، اثر ابوبکر عاصم (م۱۲۷ یا ۱۲۸ق) فرزند ابی النجود بهدلله اسدی کوفی از مفسران شیعه و یکی از قراء هفت گانهٔ معروف قرن دوم هجری. وی ایرانی تبار و از هم پیمانهای قبیلهٔ بنی اسد بود. او فنون قرآن کریم و قراءات را از عبدالرحمن سلمی فراگرفت. سلمی خود از شاگردان حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) بود و در علوم قرآن مخصوصاً در قراءات مقام شامخی داشت. او مورد وثوق سنی و شیعه می‌باشد. و نیز دو روایت در تفسیر و قراءات عاصم مشهور است نخست روایت حفص بن سلیمان بزاز که فرزند همسر دوم او بود و روایت دوم: ابی بکر بن عیاش حفص می‌گوید که عاصم به من می‌گفت قرائتی را که به تو آموختم همان قرائتی است که از عبدالرحمن سلمی فرا گرفتم و او از حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) روایت کرده‌است و هر آنچه را که به ابوبکر بن عیاش آموختم همان قرائتی است که از زرین حبیش فراگرفتم و او از ابن مسعود نقل می‌کند. تفسیر مورد بحث به زبان عربی است و در اکثر تفسیرهای عامه و خاصه مخصوصاً در قسمت قراءات ذکر شده‌است و مورد اعتماد فحول علمای شیعه می‌باشد علامه حلی در کتاب خود *المنتهی* می‌نویسد: «بهترین قراءات نزد من قراءت عاصم از طریق روایت ابوبکر عیاش می‌باشد». این تفسیر در کتب فقهی امامیه کتاب صلاة باب قراءات بسیار نقل شده‌است. *بحرالعرفان* بسیاری از باب قراءات از عاصم نقل کرده است. ابن ندیم در *الفهرست* عاصم را در طبقه سوم کوفیان بعد از یحیی بن وثاب یاد کرده‌است. وفات او را سال ۱۲۸ ق ضبط نموده‌است. همچنین آیت الله خوئی در *معجم رجال الحدیث* می‌گوید یکی از قاریان هفتگانهٔ مشهور می‌باشد و نیز قرائت او از طریق حفص بسیار معروف است و هرچه از مصاحف قدیم و جدید را مشاهده نموده‌ام تمامی آنها رسم الخط خود را بر مبنا و اساس قرائت عاصم نهاده‌اند.

منابع: *الاعلام*، ۲۴۸/۳؛ *اعیان الشیعة*، ۴۰۷/۷؛ *تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام*، ۳۴۶ـ۳۴۷؛ *تهذیب التهذیب*، ۳۰۵/۵ـ۳۶؛ *التاریخ الکبیر*، ۴۸۷/۶؛ *الجرح والتعدیل*، ۳۴۰/۶؛ *خلاصة التذهیب*، ۱۸۲؛ *ریحانة الادب*، ۴۳۶/۴ـ۴۳۷؛ *تاریخ دمشق*، ابن عساکر تلخیص ابن منظور، ۱۱/ ۲۳۵ـ۲۳۶؛ *معجم رجال الحدیث*، ۱۷۸/۹ـ ۱۷۹؛ *موسوعة البرغانی فی فقه الشیعة*، ۲۷۲/۷ـ۲۷۷؛ *میزان الاعتدال*، ۳۵۷/۲؛ *سیر اعلام النبلاء*، ۲۵۶/۵ـ۲۶۱؛ *النقض*، عبدجلیل قزوینی، ۲۱۳ به بعد.

تفسیر سدی [=تفسیر السُّدیّ الکبیر]، از ابو محمد اسماعیل (۱۲۷ق) فرزند عبدالرحمن القرشی هاشمی تابعی کوفی معروف به سدی کبیر، از مفسرین امامیه و از اصحاب سه تن از ائمهٔ اطهار(ع) حضرت سجاد و امام محمد الباقر و امام جعفر الصادق علیهم السلام. ابن حجر در *تقریب التهذیب* می‌گوید «... انه صدوق متهم بالتشیع ...» و داودی در *طبقات المفسرین* از او و تفسیرش و گرایشش به تشیع یاد کرده است. سیوطی در *الاتقان* تفسیر وی را از بهترین تفاسیر می‌داند. و نیز ائمهٔ حدیث مانند ثوری و شعبه از وی روایت کرده‌اند. آقا بزرگ تهرانی در *الذریعة* می نویسد که اسماعیل بن موسی فزاری سدی کوفی (م۱۴۵ق) که با این سدی در نام و کنیه و لقب و مذهب مشارکت دارد و با او معاصر است غیر از اوست، و مفسر نیست. از احفاد وی محمدبن مروان بن عبدالله بن اسماعیل معروف به سدی صغیر است (م۱۸۶ق) که راوی تفسیر ابن عباس از محمد بن سائب کلبی (م۱۴۶) می‌باشد.

منابع: *اعیان الشیعة*، ۳۷۹/۳؛ *تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام*، ۳۲۶؛ *الذریعة*، ۲۷۶/۴؛ *ابن داود*، ۵۷؛ *رجال* شیخ طوسی، ۱۰۴/۲، ۱۴۸؛ *ذکر اخبار اصفهان*، ۲۰۴/۱ (چاپ لیدن، ۱۹۳۱م)؛ *طبقات المفسرین* داودی، ۱۰۹/۱؛ *معجم الادباء*، ۱۳/۷؛ *النجوم الزاهرة*، ۳۰۴/۱؛ *مفسران شیعه*، ۶۷ـ۶۸؛ *جامع الرواة*، ۹۸/۱ـ۹۹.

تفسیر جابر الجعفی، اثر ابوعبدالله جابر (م۱۲۷ یا ۱۲۸ یا ۱۳۲ق) فرزند یزید بن الحرث بن عبد یغوث جعفی تابعی از مفسران شیعه و محدثین تابعین بود. حدیث و تفسیر را از محضر امام محمد باقر (ع) اخذ کرد و از خواص و ملازمین امام علیه السلام بود. ابن حجر در *تهذیب التهذیب* وی را از ضعفا و رافضی دشنام دهنده به اصحاب النبی (ص) وصف کرده است. در کتب رجالی شیعه او را توثیق و عدل می‌خوانند و ابو العباس نجاشی (م۴۵۰ق) وی را از اصحاب حضرت امام باقر و حضرت صادق (ع) ذکر نموده است و نیز تفسیر وی را با پنج واسطه از او روایت نموده‌است. شیخ طوسی در *رجال* خود وی را از اصحاب حضرت باقر (ع) و حضرت ابی عبدالله جعفر الصادق (ع) ضبط کرده است. تفسیر مورد بحث به زبان عربی و به شیوهٔ منقول و مأثور است و این تفسیر از املاء حضرت امام ابی جعفر محمد الباقر (ع). فرات کوفی در تفسیر خویش معروف به *تفسیر فرات* سی و دو عنوان اسناد تفسیر آیات را از وی نقل کرده است که تمامی آنها در شأن و فضایل حضرت امیر المؤمنین علی (ع) و خاندان عصمت و طهارت است. از جمله در تفسیر آیهٔ ۴۸ سورهٔ النساء «إنَّ اللّهَ لا

14 AGUSTOS 1996

İSAM Ktp. 41383 / 2 ،۱۳۷۳ ،دایرة المعارف تشیّع ، جلد چهارم ، تهران

السيد حسن الصدر ، تأسيس الشيعة ، ص ، ، ١٩٨١ بيروت ،

، النجاشي المسمى فهرست اسماء مصنفي الشيعة ،

وكتاب فهرست الشيخ ابي جعفر الطوسي رضي الله تعالى عنهما •

واول من صنف كتابا يجمع المبتدأ والمغازي والوفاة والردة •

ابان بن عثمان الاحمر

ابان بن عثمان الاحمر ، ذكره النجاشي عند ترجمته له وقال بعد ذكر الكتاب: كتاب حسن كبير وذكر طريقه الى روايته ، وابان المذكور من التابعين الكبار الفضلاء من اصحاب ابي عبدالله الصادق عليه السلام ، كان من الناووسية ثم صار من الشيعة الامامية ، واختص بالامام ابي عبدالله الصادق وهو من اهل البصرة ، كان مولى بجيلة وكان سكن الكوفة قال : في البلغة : اخذ عنه ابو عبيدة وغيره ، وذكره السيوطي في طبقات النحاة بعنوان ابان بن عثمان بن يحيى اللؤلؤي الاحمر ، وحكى فيه ما حكيناه عن البلغة وانه له عدة تصانيف مات بعد الاربعين ومائة من الهجرة •

مشاهير ائمة علم السير

الصحيفة الثالثة في مشاهير ائمة علم السير والمغازي والاخبار والتواريخ وعلم الرجال والرواة والطبقات •

ابان بن تغلب

منهم : ابان بن تغلب المتقدم ذكره ، من كبار التابعين واصحاب علي ابن الحسين صنف كتاب صفين وتوفي سنة احدى واربعين ومائة •

لوط بن يحيى

ومنهم : لوط بن يحيى بن سعيد ابن مخنف بن سالم او سليمان او سليم ، قال ابن النديم في الفهرست وكان ابو مخنف بن سليم من اصحاب علي عليه السلام ، وروى عن النبي صلى الله عليه وآله قال النجاشي في كتاب فهرست اسماء المصنفين من الشيعة : الازدي الغامدي ابو مخنف شيخ اصحاب الاخبار بالكوفة ، من الشيعة ووجههم ، كان يسكن الى ما يرويه ، وقد قيل فيه انه من اصحاب امير المؤمنين والحسن والحسين ، قال الشيخ ابو جعفر الطوسي : والصحيح ان اباه كان من اصحاب امير المؤمنين ، وهو لم يلقه وللوط بن يحيى من الكتب على ما في فهرست ابن النديم كتاب الردة ، كتاب فتوح الشام ، كتاب فتوح العراق ، كتاب الجمل ، كتاب صفين ، كتاب اهل النهروان والخوارج ، كتاب الغارات ، كتاب الحرث بن

Câbir el-Cu'fi
030056

Muḥammad b. al-Ḥanafiyya.[47] – A second disciple[48] was more famous but at least just as colourful a figure:

Jābir b. Yazīd b. al-Ḥārith ʿAbd Yaghūth al-Juʿfī,

a South-Arab from the tribal federation of the Madhḥij[49] who according to the majority of the sources died in the year 128/745.[50] Thus he had lived in the time of Muḥammad al-Bāqir and attached himself to the circles in Kūfa that expected their salvation from the latter. Consequently, the later Imāmite tradition could no longer do without him. He also left behind several historical monographs which were dear to the Shīʿites: on the Battle of the Camel, on Ṣiffīn, on Nahrawān, on the murder of ʿAlī and the death of Ḥusayn;[51] Naṣr b. Muzāḥim quoted extensively from the *K. Ṣiffīn*.[52] Even Sunnī authorities who did not deny their sympathy for ʿAlī, such as Sufyān al-Thawrī or Shuʿba had recourse to him;[53] Abū Dāwūd, Tirmidhī and Ibn Māja in this way took over some *ḥadīths* from him. Bukhārī and Muslim, however, did not trust him.

In fact, in the confused brains of Bāqir's Kūfan disciples so many fantasy constructs sprung up that neither accorded with Sunnī nor with orthodox Shīʿite ideas and later became a burden to Jābir's legacy. Attractively narrated miracle stories are among them, fairy tales from the spirit world or about bewitched pots with which ordinary folk among whom they circulated confirmed the supernatural powers of the Imams.[54] Later, prophecies with the *isnād Jābir ʿan Bāqir* also sold well.[55] But alongside them are found gnostic speculations which continue to proliferate more and more. Muḥammad and his descendants become understood as pre-existing beings that previous to

47 Nuʿmānī, *Ghayba* 290 f., no. 7.

48 U. Sezgin, *Abū Miḫnaf* 134.

49 Not their *mawlā* as Halm maintains, *Gnosis* 97 f. and in: *Der Islam* 58/1981/29, ftn. 52.

50 Cf. with this and what follows the article by Madelung in EI², Suppl. 232 f. Sometimes one finds completely fantastical death dates such as 167 (in *Mīzān* I, 384, l. 8) or 166 (in Damīrī, *Ḥayāt al-ḥayawān* I, 323, l. 21).

51 Najāshī 94, ll. 11 ff.; on this GAS 1/307 and Prozorov, *Istoričeskaya literatura* 46 ff. Quotations from the *K. Maqtal Ḥusayn* for instance in Abū'l-Faraj, *Maqātil* 83, l. 9; 85, ll. 5 f. and last l. ff.

52 Cf. *Waqʿat Ṣiffīn*, Index s. n.; on this U. Sezgin, *Abū Miḫnaf* 133 ff. Petersen, *ʿAlī and Muʿāwiya* 62 f., draws attention to the fact that Jābir here stands out through forged eye-witness accounts.

53 ʿUqaylī, *Ḍuʿafāʾ* I, 191 ff., no. 240, and *Mīzān* no. 1425; cf. also Halm, *Gnosis* 96.

54 On this in detail Halm, *Gnosis* 101 ff.

55 *Maqātil* 542, ll. 7 ff., connected with the year 199, i.e. from the time of Abū'l-Sarāyā.

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

Josef van Ess, *Theology and Society in the Second and Third Century of the Hijra: a History of Religious Thought in Early Islam*, c. I, terc. John O'Kane, edit. Maribel Fierro, M. Şükrü Hanioğlu, Renata Holod, Florian Schwarz, Leiden: E. J Brill, 2017. İSAM DN. 253960

01 Kasım 2019

01 Ekim 2020

01 Ekim 2020

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

IRAQ 030056 CÂBİR el-CU'FÎ 341-345

Muḥammad b. al-Ḥanafiyya.[47] – A second disciple[48] was more famous but at least just as colourful a figure:

Jābir b. Yazīd b. al-Ḥārith 'Abd Yaghūth al-Ju'fī,

a South-Arab from the tribal federation of the Madhḥij[49] who according to the majority of the sources died in the year 128/745.[50] Thus he had lived in the time of Muḥammad al-Bāqir and attached himself to the circles in Kūfa that expected their salvation from the latter. Consequently, the later Imāmite tradition could no longer do without him. He also left behind several historical monographs which were dear to the Shī'ites: on the Battle of the Camel, on Ṣiffīn, on Nahrawān, on the murder of 'Alī and the death of Ḥusayn;[51] Naṣr b. Muzāḥim quoted extensively from the *K. Ṣiffīn*.[52] Even Sunnī authorities who did not deny their sympathy for 'Alī, such as Sufyān al-Thawrī or Shu'ba had recourse to him;[53] Abū Dāwūd, Tirmidhī and Ibn Māja in this way took over some *ḥadīths* from him. Bukhārī and Muslim, however, did not trust him.

In fact, in the confused brains of Bāqir's Kūfan disciples so many fantasy constructs sprung up that neither accorded with Sunnī nor with orthodox Shī'ite ideas and later became a burden to Jābir's legacy. Attractively narrated miracle stories are among them, fairy tales from the spirit world or about bewitched pots with which ordinary folk among whom they circulated confirmed the supernatural powers of the Imams.[54] Later, prophecies with the *isnād Jābir 'an Bāqir* also sold well.[55] But alongside them are found gnostic speculations which continue to proliferate more and more. Muḥammad and his descendants become understood as pre-existing beings that previous to

47 Nu'mānī, *Ghayba* 290 f., no. 7.

48 U. Sezgin, *Abū Miḫnaf* 134.

49 Not their *mawlā* as Halm maintains, *Gnosis* 97 f. and in: *Der Islam* 58/1981/29, ftn. 52.

50 Cf. with this and what follows the article by Madelung in EI², Suppl. 232 f. Sometimes one finds completely fantastical death dates such as 167 (in *Mīzān* 1, 384, l. 8) or 166 (in Damīrī, *Ḥayāt al-ḥayawān* 1, 323, l. 21).

51 Najāshī 94, ll. 11 ff.; on this GAS 1/307 and Prozorov, *Istoričeskaya literatura* 46 ff. Quotations from the *K. Maqtal Ḥusayn* for instance in Abū'l-Faraj, *Maqātil* 83, l. 9; 85, ll. 5 f. and last l. ff.

52 Cf. *Waq'at Ṣiffīn*, Index s. n.; on this U. Sezgin, *Abū Miḫnaf* 133 ff. Petersen, *'Alī and Mu'āwiya* 62 f., draws attention to the fact that Jābir here stands out through forged eye-witness accounts.

53 'Uqaylī, *Ḍu'afā'* 1, 191 ff., no. 240, and *Mīzān* no. 1425; cf. also Halm, *Gnosis* 96.

54 On this in detail Halm, *Gnosis* 101 ff.

55 *Maqātil* 542, ll. 7 ff., connected with the year 199, i.e. from the time of Abū'l-Sarāyā.

Ess, Josef van; Theology and Society in the Second and Third Century of the Hijra: a History of Religious Thought in Early Islam, c. I, terc. John O'Kane ; edit. Maribel Fierro, M. Şükrü Hanioğlu, Renata Holod, Florian Schwarz, Leiden : E. J. Brill, 2017. İSAM DN.253960.